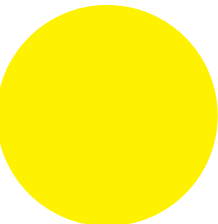


ایران



امام جواد (ع):

هر که از مدارا کردن فاصله گیرد، ناخوشایندی به او نزدیک شود.



سخن روز

الدرة الباهرة: ص ۳۹

نگاره

خیال خام



طرح: حمید صوفی

فضای مجازی

ایمان و مقاومت مردم غزه

علیرضا کمیلی در پستی در صفحه مجازی‌اش به ایمان و مقاومت مردم غزه اشاره کرد و نوشت: امشب بهت زده‌ام از ایمان و مقاومت مردم غزه. امشب میزبان سه نفر از بچه‌های غزه بودیم که دو سال است بیرون زندگی می‌کنند و هر سه اهل شمال غزه و مشخصاً جبالییا بودند. یکی شان گفت دشمن فهمیده که راهی برای شکست مقاومت ندارد و اکثر شروط مقاومت را در توافق جدید پذیرفته و اگر بپذیرد که در فاز دوم، آتش بس همیشگی برقرار خواهد شد، به توافق قطعی می‌رسیم و دوسه، خاطره گفت که من فهمیدم ریشه این مقاومت و ایمان هفت ماهه که به مراتب عجیب‌تر از ضربه هفتم اکتبر بود، چیست. گفت من خواهری ۲۲ ساله دارم که یک سال قبل ازدواج کرد و در روز حمله دشمن به جبالییا فرزندش در خانه به دنیا آمد. فردای تولد، خواهرم از همسرش خواست نامی برای این پسر انتخاب کنند و پیشنهاد عبیده را به برکت نام سخنگوی قسام داد... اما همسرش نپذیرفت و گفت همین روزها حتماً کسی از ما شهید خواهد شد و نام او را بر این پسر می‌گذاریم به امید تداوم مسیر زندگی... همان روز عصر شوهرخواهرم به شهادت رسید و نام او که یوسف بود را بر فرزندش گذاشتند. خواهرم روز بعدش از فیسبوک نوشت که یوسفی شهید شد و این یوسف هم حتماً استشهادی خواهد بود و گفت که برخی مجروحان غزه را به دوحه آوردند. یکی خانمی بود که در بمباران صد عضو خانواده‌اش شهید شده بودند و او و تنها پسرش از طریق تونل‌ها به خارج منتقل شده و به قطر آمدند. ما که به عبادتش رقتیم، یک دست و پایش قطع شده بود و بدنش پر ترکش بود! در این حال که هیچ‌کس را نداشت، من گفتم ان‌شاءالله پسرش راقت مثل پدرزرگش یک پزشک بزرگ می‌شود. او فوراً گفت قبل از پزشک شدن باید یک مجاهد باشد. دیگری گفت دوستی داشته‌یم به نام یحیی که ساعت دو نیمه شب هفتم اکتبر به او اعلام شد وارد عملیات شود.

وی سه بار به شهرک حمله کرد و نهایتاً هم مسئول دفاع مقابل اولین تهاجم دشمن شد که یک هفته آنرا را در کمین خود متوقف کرد. وی که ۲۳ سال داشت سه تاکنار را شخصاً منهدم کرد و سپس به شهادت رسید. امثال او ده‌ها هزار در غزه موجود است که مادرانی آجتشان آنها را تربیت کرده‌اند...

استاد مطهری اهل دعوت بود، نه تصرف

وحید یامین‌پسور همزمان با روز شهادت استاد مطهری در پستی به تفاوت استاد مطهری با بسیاری از متفکران امروزی اشاره‌ای داشت و نوشت: تفاوت در میزان سواد و مطالعه یا قدرت بیان و گفتار نیست. در این است که مطهری ایدئولوژی زده و مقیم جهان اراده فردی و دغدغه‌مند تصرف در اذهان مخاطبانش نبود. او اهل دعوت بود، نه تصرف. فقط آنها که در مرحله تسلیم در برابر امر قدسی هستند، از انگیزه‌های سوپزکنیو «تأثیرگذار بودن» خالی می‌شوند. بسیاری از روشنفکران و متفکران که دغدغه تأثیرگذاری دارند، به جای دعوت وارد وادی تصرف می‌شوند و گرفتار مهلکه سوپزکنیویته‌اند و در سواد تبلیغ و تغییر دیگران هستند.

مطهری تسلیم بود و این او را ماندگار کرد. ماندگاری در پیوستن به حق است.

دلنوشته بهروز شعبیی در سوگ زنده‌یاد رضا شیخی

بهروز شعبیی، بازیگر و کارگردان مطرح سینمایی ایران، در جدیدترین پست اینستاگرامش برای زنده‌یاد رضا شیخی دلنوشته‌ای منتشر کرد و نوشت: سفر بخیر رضا شیخی عزیز.

در سربال «نتهای لبلا» افتخار داشتم جلوی دوربین رضا جان باشم. پیش از بیست سال رفقت داشتیم، از زمانی که هر دو دستیار بودیم؛ فیلم شب‌های روشن.

در سربال «نتهای لبلا» افتخار داشتم جلوی دوربین رضا جان باشم. سفر زود هنگامی بود برای این دوست با اخلاق و مهربانم.

ساز و آواز بداهه و تصنیف «ای دل سر به هوا»

علی قمرصی، نوازنده تار دربارۀ صیط تصنیف ای دل سر به هوا در صفحه مجازی‌اش نوشت: در دیدار با استاد حشمت رجب‌زاده، چند بار ضبطمان را دگرگونی زلال حالمان نیمه‌تمام گذاشت. این رفتند، قدم می‌زدند و دوباره به صیط بازمی‌گشتند. این ساز و آواز، میوه‌ای بود که از حدود دو ساعت حال خوب پیش از آن، چیده شد و نواختن من صرفاً بازتابی از حال خوب ایشان بود.

تصنیفی که در ادامه این ساز و آواز اجرا می‌شود، نام جالبی دارد: «ای دل سر به هوا»

شاید با این نام بتوانم پاسخی برای اینکه وسایلم را جا می‌گذارم و گاهی بدون شناختن و توجه به آشنایانم از کنارتان رد می‌شوم و ناراحتشان می‌کنم، پیدا کنم، چون گاهی نگران این دو مشکل ناگاهانه خود می‌شوم. موسیقی، مرا دلتنگ می‌کند. نوعی از دلتنگی که به «برای» نیازی ندارد. خود دلتنگی، به جای هدفی برای دلتنگ شدن مهم می‌شود. مدتی است احساسات متنوعی را بدون واسطه تجربه می‌کنم. غمگین و شاد می‌شوم بدون اینکه بدانم از چه، در حضور، غایب می‌شوم. احساسات، بدون نیاز به علت بیرونی، به عاطفه تبدیل می‌شوند.

- صاحب امتیاز: خیرگزاری جمهوری اسلامی
- سردبیر: حسام‌الدین برومند
- دبیران: مصطفی عیوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور (اقتصادی)
- زرین رستمی وند (اجتماعی)
- بنفشه غلامی (جهان)
- لیدا فخری (اندیشه)

- محمدرضا عزیزی (گزارش)
- زهرا کشوری (زیست‌بوم)
- فرزاد قلعه‌دار (حوادث)
- مهدی کلهرنژاد (اجرائی)
- پرویز آرزومده (صفحه‌آرایی)
- داریوش کمالی پورآزاد (ویرواستاری)
- ابوالفضل نسایی (عکس)

نقل قول

برنامه کودکی نداریم که

درباره «جیغ و دست و هورایش» صحبت کنیم

متأسفانه کودک و نوجوان در کشور ما به فراموشی سپرده شده و دغدغه نیستند. چرا که به تعبیر رضایی، ما استعدادها و تهیه‌کنندگان قدرتمندی در حوزه کودک داریم. جیغ و دست و هورا برای تخلیه انرژی لازم است خصوصاً برای خردسالان و مدتی به یک روشی تبدیل شد که یکی از مدارس تهران این کار را شروع کرد. صبح‌ها برای اینکه انرژی بچه‌ها را افزایش بدهند این کار را می‌کردند و روش خوبی است. اما نه به عنوان برنامه‌سازی‌های تلویزیون! البته که این روزها برنامه کودکی نداریم که بخواهیم درباره جیغ و دست و هورایش با هم بحث کنیم.

ناگفته نماند که دوره‌ای همه برنامه‌های کودک تلویزیون همین کار را می‌کردند تا به گونه‌ای حواس کودکان را پرت کنند چون خلایق و نوآوری نداشتند که به رخ بکشند.

گفت‌وگوی تسنیم با الهه رضایی مجری و برنامه‌ساز قدیمی تلویزیون



تجسم



سیدفلاح‌فر پژوهشگر هنر

هنرهای تجسمی فراماده

در موزه، به معنای کلاسیک آن، چه چیزهایی به نمایش گذاشته می‌شود یا چه چیزهایی نگهداری می‌شود؟ گنجینه هر موزه شامل چه چیزهایی است؟ معمولاً این موضوع مستقیماً مربوط به اشیاء و آثار منقول موزه‌ای مربوط خواهند بود. به عبارتی موزه‌ها با حفظ و نمایش اشیاء یا کالاها و محصولات فرهنگی و هنری، تلاش می‌کنند و محتویات فرهنگی این اشیاء را هم محافظت و معرفی کنند. انواع سفالینه‌های تاریخی، آلات جنگی، لباس، لوازم صنعتی، زیورآلات، تابلوهای نقاشی و... می‌توانند در فهرست این اشیاء باشند. اما موزه‌ها در این کارکرد، در حفظ آن دسته از رخدادهای هنری که شیء بنیان نیستند، توانایی چندانی ندارند. مثلاً نمی‌توانند یک اجرای نمایشی را در بهترین‌های خود به نمایش بگذارند. یا قطعه موسیقی را آنچه‌ان که در اجرای زنده اتفاق افتاده، بازنمایی کنند. برخی از این رویدادها را می‌توان به کمک ابزار واسطه‌ای ارائه کرد. مثلاً با یادداشت متن و حواشی، ضبط صدای موسیقی یا عکس‌ها و فیلم‌هایی که از تئاتر باقی می‌ماند، که البته هیچ کدام اصل خود اثر هنری محسوب نمی‌شوند. اما مجسمه‌ها، پوسترها، تابلوهای نقاشی، صنایع دستی و... می‌توانند در خود عینیت اثر هنری به نمایش گذاشته شوند. با این وجود، در دوره معاصر، نگارخانه‌ها و بعضی موزه‌ها اقدام به نمایش آثار هنری متفاوتی، مثل پرفورمنس، ویدیوآرت و... کرده‌اند که ذاتاً کالایی برای انتقال به غیر یا عقد قراردادهای خرید و فروش ندارند. همان‌طور که خرید و فروش حقوق مادی و معنوی یک قطعه شعر و موسیقی، سازگاری متفاوت با خرید یک کالای مادی یا یک تابلوی نقاشی دارد.

با این تقسیم‌بندی: «سینما» در کدام گروه جای می‌گیرد؟ به نظر می‌رسد این چالش سابقه‌ای طولانی و تاریخی در دسته‌بندی هنرها دارد. در نگاه اول می‌توان از کنار این تفاوت‌ها عبور کرد و آن را موضوعی بی‌اهمیت یا حداقل حاشیه‌ای فرض کرد. اما با کمی تعمق، این مسأله به یکی از چالش‌های هویتی «هنر» دوره معاصر بدل می‌شود.

چاپ، در حد اصل هنر و صنعت مفهوم جدیدی را وارد هنر و خصوصاً چیستی و چگونگی موضوع «انحصار» در مقابل «تکنیزپذیری» اثر هنری کرده است. پیش‌تر از آن، بعضی رشته‌های هنری و صنایع دستی ممکن بود منجر به تولیدات مشابهی شده باشند که هم عیناً و اصالتاً همان اثر اول نبود و هم ماهیتی مستقل داشت. اما نسخه‌های متکرر

- تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰؛ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴؛ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پیامک: ۳۰۰۴۵۱۲۳؛ روابط عمومی: نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۳۸۸؛ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
- چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵

یادداشت

عکس خبری راوی جهان معاصر

سه دهه پیش در کلاس فتوژورنالیسم با استاد و دانشجویان بر سر اینکه عکس خبری واقعیت است یا نه بحث می‌کردیم. برای پاسخ به این پرسش باید سطح رابطه پرسنده و پاسخگو را با رسانه تعیین کنیم. وقتی از مصرف‌کنندگان رسانه از نسبت عکس با واقعیت پرسیم، عمده پاسخ‌ها مثبت است، چون عموماً پذیرفته‌اند که واقعه‌ای رخ داده و عکاس هم آن لحظه را ثبت کرده، پس عکس نمادی از واقعیت است، اما از منظر مدیران رسانه و سردبیران و خبرنگاران، پاسخ به این پرسش چندان ساده نیست. وجهی از این مسأله، ناظر به فلسفه‌ای است که به آن اعتقاد داریم و «واقعیت» را تعریف می‌کند و نسبت آن را با جهان پیرامون ما و حقیقت مستتر در پدیده‌ها می‌سنجد. پاسخ یک فرد عارف‌مسلك با یک واقع‌گرا متفاوت است. برای عارف‌مسلك، اصلاً واقعیتی وجود ندارد و همه جهان وهم است و در نظر واقع‌گرا، عناصر عکس خبری، واجد نشانه‌هایی از رنج و شادی بشر و دشواری‌های زندگی یا فقر، محرومیت، جنگ و دیگر چیزهاست، اما مهم، دیدگاه رسانه است. فرض کنید از یک نزاع یا لحظه‌ای از جنگ میان دو کشور، عکسی در روزنامه یا خبرگزاری منتشر می‌شود. ما آن چیزی را می‌بینیم که عکاس از ویزور دوربینش انتخاب کرده و به ما نشان داده و این تنها پنجره‌ای است که پیش روی ما قرار گرفته و باید بر مبنای آن قضاوت کنیم. ما بنا به آموخته‌ها و نسبی که با عکاسی و دنیای تصویر و هنر داریم، از عکس خبری برداشت می‌کنیم و خودمان را در تعبیرمان از یک عکس محق می‌دانیم. اصلاً فکر می‌کنم همه جذابیت دنیای عکاسی و هنر در همین گونه‌گونی نقطه تماشای و آرای هرمنوتیکی متفاوت و گاه متضاد است.



فارغ از

همه اینها،

تصمیم نهایی

چگونگی

نمایش یک

عکس خبری

با ادیتور

عکس روزنامه

و خبرنگاری

یا سردبیر

است که بنا به

خط مشی و

سیاست‌های

رسانه و قواعد

بازی، عکس

را چگونه

کادر بندی

دوباره کند

تا منظور

نظر رسانه

را به راحتی

دریابیم. به هر

روی عکس

مهم‌ترین

عنصر خبری

در چپش

اختیار روزانه

است.

معمولاً در

خبرگزاری‌ها

هیچ خبری

بدون عکس

منتشر

نمی‌شود



معلم و بچه‌های

روستای بیاتان سوخته

«مراد اللهبیاری»،

معلم روستای

بیاتان سوخته؛

واقع در بخش

زالیان شهرستان

شازند استان

مرکزی است. آقای

اللهیاری که به

همراه خانواده‌اش

در شهرستان

بورچرد زندگی

می‌کنند. ۱۵ سال

است باوجود طولانی

بودن مسیر، هر روز

با خود روی شخصی

را از روستاهای

همجوار (گونستان،

رستمراه، سرکمری و

قمارخان) به مدرسه

منتقل می‌کند.

عکس: ایرنا